



شنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۴

وطن امروز | شماره ۴۲۸۵

فرهنگ وهنر

به عبارت دیگران

اسم پدر ما را از کجا می‌دانی؟

در نجف سرگذشت اثیب و پسرانش را خوانده بودم؛ یعنی ۳ شب در زیرزمین میهمان پدر این ۲ جوان بودهام زهی عالم



بی‌خبری! وقتی رفته بودم به زیارت پدرش، سرنوشت او را بر تابلویی خوانده بودم و حالا در عالم واقع با پسرانش روبه‌رو شده‌ام.

سری تکان می‌دهم ولی نمی‌توانسم حرفی بزنم. شگفتی من از آن دو بیشتر است. وقتی به خود می‌آیم که ۲ جوان تابلوت را روی چهار شتر بسته‌اند و می‌خواهند راه بیفتند. به سختی بلند می‌شوم و در کنارشان می‌ایستم. پسر کوچک‌تر که گویی ترسیده، به چشم جاسوس نگاه می‌کند. کوله‌پشتی‌ام را جابه‌جایی کنم و می‌گویم: «می‌دانید ما با فاصله چند قرن همدیگر را می‌بینیم؟» آهسته زمزمه می‌کنم: «ز زمانی که شما راه افتاده‌اید اتفاقات بسیاری رخ داده».

برادر بزرگ‌تر با ناراحتی می‌گوید: «به گمانم تو جنی، وگرنه از کجا اسم پدر ما را می‌دانی؟»

سرم را پایین می‌اندام. اشک در چشمانم حلقه می‌زند و می‌گویم: «چند روز است که من برای زیارت پسر دوست پدرتان در راهم».

– یعنی تو هم می‌خواهی او را ببینی؟

اشک بر گونه‌هایم جاری می‌شود. صورتم هنوز خیس است و لب‌هایم ترک برداشته. با اندوه برای‌شان شرح می‌دهم که پس از دفن پدرشان بر فراز تپه صفا، دوست او چگونه در مسجد ضربت خورد و کشته شد. بعد از پسرانش می‌گویم که چگونه به شهادت رسیده‌اند. آنها با ناباوری همان‌طور که به شترها تکیه داده‌اند اشک می‌ریزند.

– اگر راست می‌گویی ما را ببر تا ببینیم.

و من از زیر چشم به آن ۲ مشتاق نگاه می‌کنم. از سویی می‌خواهند پیکر پدر پیرشان را به دوستش برسانند و از طرفی دوست دارند بدانند پسر دوست پدرشان چه سرنوشتی داشته است.

با صدایی به خود می‌آیم.

– کمک کنید. این آقا در تب می‌سوزد. دارد با کسی حرف می‌زند. فکر کنم هذیان می‌گوید.

مسلم‌ناصری

ستون ۱۴۵۳ / انتشارات چمکران

یک بنده خدا!

حاج حمید روی مبل نشسته بود و مشغول خواندن کتاب بود. من هم تلویزیون را روشن کردم. کنار حاج حمید نشستیم. تلویزیون داشت خاطرات حضرت آقا از روزهای حضور در جبهه را پخش می‌کرد. آقا فرمودند: «ام تو ی مِه‌لَکایِ کِبر افتاده بودیم که یک بنده خدایی آمد و ما ماشین ما را از مِه‌لَکه نجات داد». حاج حمید همین‌طور که سرش توی کتاب بود، با همان مظلومیت و خضوع همیشگی گفت: «اون بنده خدا من بودم».

سجادمحمدی

ابومریم / افرا‌هایی از زندگی سردار شهید حاج سیدحمید تقوی‌فر / نشر نیلوفران / صفحه ۷۷

مناجات مترجم قرآن با خداوند متعال
خدا یا! من این کوشش خاص تو کردم و این رنج به وفای آن نذر که با تو داشتم، بردم و از همه کسان رو به تو آوردم و دل بر تو نهادم و امید به تو افکندم و از آن طفل‌های بیگران و نظر‌های نهان که تو را با بندگان است، امید قوی دارم که این پیشکش ناچیز، در پیشگاه عزت تو به معرض قبول افتد که احراز رضای توای خدای لایزال! مرتبتی مافوق مرتبه‌است.

خدا یا! جان ما به نور هدایت خویش روشن کن و ما را از ظلمات آرزوها و هوس‌ها، به آن عالم صفا و وارستگی که خاص بندگان مطیع خویش کردی، راهبر باش که هر کس با تو پیوست، از همگان رست و موهبت جاویدان، این است.

ابوالقاسم پاینده

مناجات مرحوم پاینده در ابتدای ترجمه قرآن کریم / انتشارات جاویدان

نگاه بلند

رسیدیم نزدیک مرز لبنان و فلسطین. روی یک ارتفاع ایستاده بودیم و مناطق اشغالی را نگاه می‌کردیم که من این بیت شعر از «محمود درویش» را برایش خواندم: «سنطردهم من إناه الزهور و جبل النعيل... سنطردهم عن جواره هذا الطريق الطويل» خلاصه‌اش یعنی ما یک روز اسرائیلی‌ها را از خاکمان بیرون می‌کنیم. این بیت را که خواندم، دستش را زد روی سینمایش، انگار بخواهد شعار بدهد. با احساس گفت: «مطمئن باش همین کار را می‌کنیم. یک روز از این خاک بیرون‌شان می‌کنیم».

سیدمحمدموسوی

ابوجهاد / صد خاطره از شهید عماد مغنیه / انتشارات روایت فتح / صفحه ۶۸

این آدم‌های حقیر

آیا مطمئنید کسانی افتخار خود می‌دانند که دل‌فک و نوکر و نان‌خور شما باشند و به هر خفتی تن دهند، آیا مطمئنید که آنها عزت نفس خود را از دست داده‌اند؟ پس این همه حسادت و بدگویی و شایعه، این همه خبرچینی و پیچیده ناگاه گوشه‌وکنار و گاهی حتی بیخ گوش و زیر میزتان از کجاست؟ کسی چه می‌داند، شاید عزت‌نفس برخی از این آواره‌خانه‌تنها با چنین تحقیر‌هایی از دست نرفته، بلکه به خاطر همین تحقیر شدن‌ها و دیوانه‌بازی‌ها و دلقک‌بازی‌ها و جیره‌خوری‌ها و اطاعت کردن‌ها و بی‌تخصیص‌بازی‌های اجباری و دائمی بیشتر هم برانگیخته می‌شود.

فئودور داستایوفسکی

کتاب ناشناس / چاپ سوم، تهران: نشر هرمس / صفحه ۸۶

حضرت محمد(ص):

چنان با مردم مصاحبت داشته باش که خود دوست داری به همان گونه با تو مصاحبت کنند.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی

مدیر عامل: رضا شکیبایی

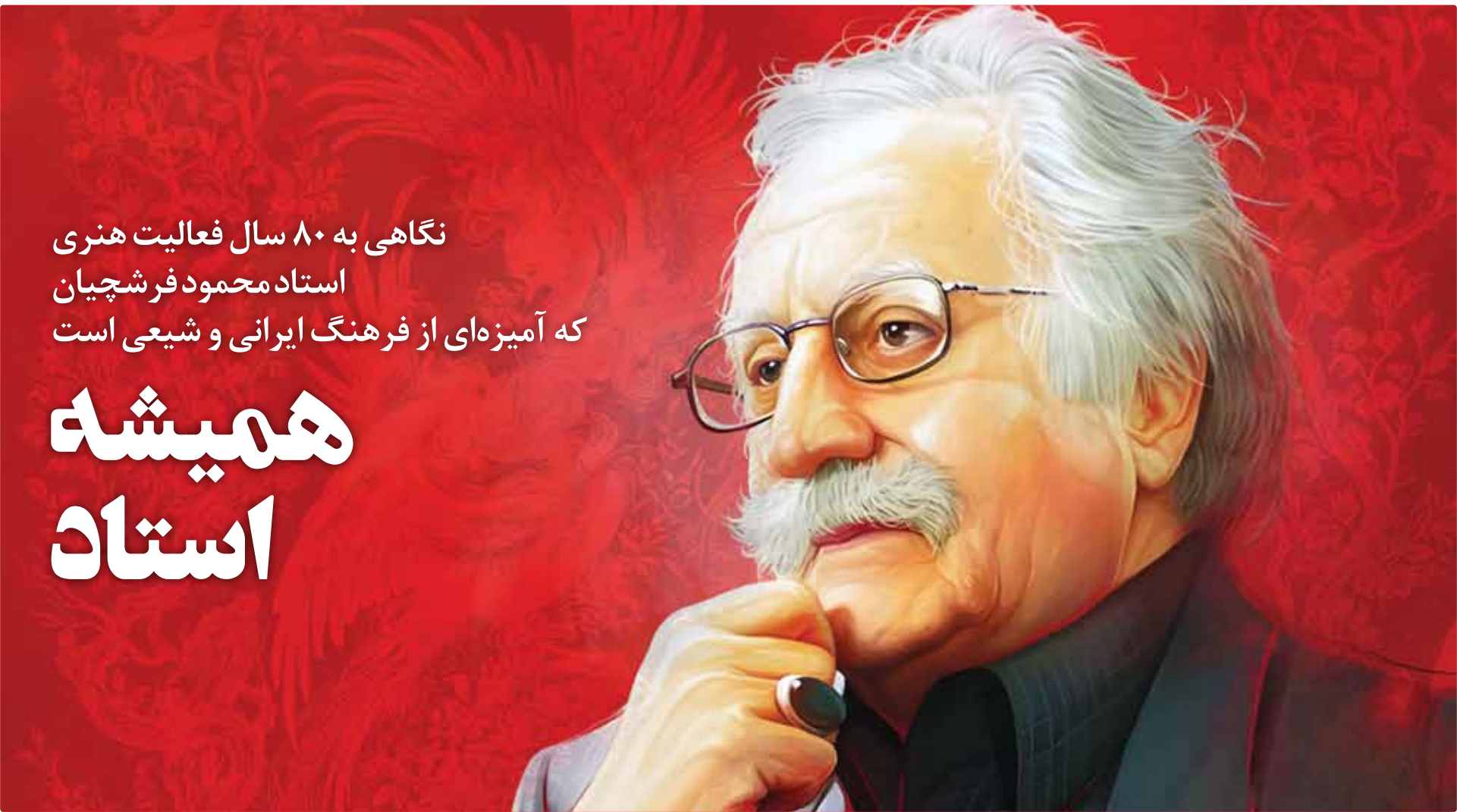
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹

روابط عمومی: ۶۶۴۱۲۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۲۷۸۳
تلفن: ۶۶۴۱۲۱۳۷
نمابر: ۶۶۴۱۲۱۳۷

پيام‌رسان: @vatanemrooz
پست الکترونیکی: info@vatanemrooz.ir

چاپ: موسسه جام‌چم پرتز برنا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰



اتفاقاً دنبال بهانه نباشیم. کسی که ۸۰ سال نگارگری کرده و آثاری از خودش به جا گذاشته که بسیاری‌شان به‌تنهایی برای ابدی کردن جلوه یک نام کافی هستند، چرا باید حالا هم هر روز کاری کند تا بهانه‌ای برای یادآوری‌اش دست و پا شود؟ با این وصف خبر به کما رفتن استاد فرشچیان که خوشبختانه تکذیب شد، می‌تواند بهانه‌ای باشد برای نهیب زدن ما به خودمان که زود به زود و بی‌بهانه او را به یاد بیاوریم و برجستگی‌هایش را مرور کنیم.

آنچه در ادامه می‌خوانید، ضمن آرزوی سلامتی استاد فرشچیان و معطر ماندن فضای هنر ایرانی، به نفس‌هایش، مروری کوتاه است بر زندگی او بویژه سبک کاری‌اش و برخی ویژگی‌های آن.

۳ نقش‌بند فرشته‌ها

خیلی‌ها فرشچیان را با واژه مینیاتور می‌شناسند و عده‌ای دیگر ممکن است تصور کنند او صرفاً متعلق به مکتب نقاشی ایرانی است. به نظر می‌رسد به کار بردن واژه «نقاشی ایرانی» یا «نگارگری» درباره شخصی مثل استاد فرشچیان به مراتب سنجیده‌تر و رساتر از مینیاتور است.

واژه مینیاتور کوتاه شده واژه فرانسوی مینی‌موم ناتورال و برابر با جهان کوچک است و در واژه برابر با کوچک‌تر نشان دادن است. این واژه در آغاز قرن گذشته به فرهنگ مطالعاتی هنر ایران راه یافت و سپس به گونه همگانی کاربرد پیدا کرد. واژه مینیاتور تنها به نگارگری ایرانی گفته نمی‌شود، بلکه هر اثر ریزنقش و ظریف هنری که این ویژگی‌ها را داراست به همین نام خوانده می‌شود. گفتن واژه مینیاتور به نگارگری‌های کهن ایرانی نارساو گمراه‌کننده است. البته باید گفت با وجود اینکه نگارگری، برابری شایسته برای نقاشی اصیل ایرانی است اما در عین حال نمی‌توانیم واژه نگارگری سنتی را به آثار فرشچیان تعمیم دهیم، چرا که با وجود برخی اشتراکاتی که در مبانی اصیل نقاشی ایرانی دارند، اختلافات برجسته‌ای نیز به همراه دارند. فرشچیان در همه ویژگی‌های نقاشی ایرانی، دارای خلاقیت و نوآوری است که دست‌آورد آن مبانی نظری و عملی بوده است که همین مبانی منجر به ابداع و ایجاد سبک و شخص هنری هنرمند شده است. آثار این هنرمند را می‌توان با لحاظ کردن مبانی نظری و عملی آن، «نقاشی ایرانی نوین» نامید که در ادامه و در راستای سنت‌های اصیل نگارگری ایرانی به تکامل رسیده است. نگارگری ایرانی به نوعی نقاشی ظریف و ریزنقش ایرانی گفته می‌شود که در گذشته بیشتر برای کتاب‌آرایی ادبی، علمی و پزشکی انجام می‌شد یا به گونه جداگانه ساخته می‌شد که به آن مرقع می‌گفتند. امروزه این هنر از محدوده کتاب‌آرایی فراتر رفته است. نام کاملی که همه این بخش‌ها را در بر بگیرد «نقاشی ایرانی» است. پس از آشنایی غرب با هنر نگارگری شرقی از روی همانندی در اندازه، غریبان واژه مینیاتور را مثل برای نگارگری‌های ایرانی هم به کار بردند؛ در حالی که نگارگری ایرانی در بنیاد فلسفی و زیباشناختی‌اش با مینیاتور‌های چین و ژاپن و از نگاه فنی با مینیاتور‌های اروپا تفاوت دارد و تنها از دید اندازه و کوچکی با آنها یکی است. هنر نگارگری ایرانی – اسلامی از سده هشتم هجری تا سده یازدهم هجری شکوفایی نمایان داشت ولی نقش و نگار‌های برج‌ا مانده از دوران پیش از اسلام تا زمان حمله مغولان و همچنین کارهای دیوارنگاری، پرده‌نگاری، قلمدان‌نگاری و مانند آن در سده‌های نزدیک‌تر هم نمودهایی دیگر اما کمتر شناخته‌شده از نقاشی ایرانی به‌شمار می‌روند.

یکی از عناصر برجسته در آثار استاد فرشچیان «فرشته» است. عمدتاً دوران اسلامی با آثار روایی و داستان‌های مذهبی به فرشته – موجودی فرازمینی که رنگ و لعاب فراوان در ادوار تاریخی به خود گرفته است– شکلی ویژه بخشیده است. سیر تحول تصویری فرشته در طول اعصار، لباس‌های ملونی به تن کرده است اما در دوران معاصر چه نقشی بازی کرده‌است؟ نگارگری ایرانی تقلیدی از نقاشی طبیعت نیست، بلکه نمایش خیال‌نقاش، شاعرانه و نمادین میان انسان و طبیعت و عالم ملکوت است. ریشه و شالوده این نگاه به تفکرات اسلامی بازمی‌گردد. در این میان هنرمند ایرانی از دیرباز به عالم ارواح، فرشتگان، دیوان و موجودات خارق‌العاده باور داشته و با این اعتقاد و با تغییر در عناصر و فضای مادی کوشیده راهی را برای القای جهانی غیرمادی و معنوی باز کند. فرشتگان یکی از موضوعاتی هستند که نگارگر با تکیه بر اعتقادات و تخیلات خود دست به بازنمایی آن می‌زند.

بنا بر روایات، فرشتگان از نور آفریده شده‌اند و همواره به عبادت و تسبیح خداوند مشغولند، هیچ‌گاه از این کار فرغت نمی‌یابند و سستی نمی‌ورزند و به آن خداوند در جهان هستی تأثیرگذار هستند.

به بالدار بودن فرشته‌ها اشاره صریحی شده است و در سوره مبارکه فاطر در قرآن مجید آمده است: «سپاس خدای را که پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است، فرشتگان را فرستادگانی قرار داد که دارای بال‌هایی دوگانه، سه‌گانه و چهارگانه‌اند. در آفرینش بی‌غریز هر آنچه خواهد». فرشته در آثار نگارگری به شکل‌های مختلفی دیده می‌شود، گاهی به صورت و شبیه‌انسان با ۲ بال کشیده شده‌اند و اغلب از لطافت و پاکی و ظرافت زنانه برای تصویر کردن آنها استفاده شده است. اندازه، بال‌ها هم در آثار مختلف متفاوت در نظر گرفته شده است. در آثار استاد فرشچیان، توجه به عناصر طبیعت بیننده را به رمز و راز حیات و تفکر و ژرف‌نگری دعوت می‌کند. در این آثار به مشخصات و جزئیات تمام موجودات توجه شده است؛ در ترسیم عناصر طبیعی و نمایاندن خصلت‌های خاص آنها ظرافتی و سواس‌گونه به کار رفته است. فرشته‌ها هم در آثار استاد فرشچیان دارای ویژگی‌های خاص هستند. قامت‌ها اغلب کشیده و واقع‌گرا هستند. تصاویر اغلب در فضاهای پر نقش و نگار و تلفیقی از واقعیت و رویا ترسیم شده‌اند. اغلب رنگ‌ها شفاف، خالص و روحی هستند و تعادل در رنگ‌ها قابل مشاهده است. از مهم‌ترین عناصر اصلی در آثار استاد فرشچیان رویارویی فرشته و اهریمن و شر است و هنرمند در آثار خود به جنبه‌های نمادین و اساطیری و رمزآلود اشاره داشته است. فرشته‌ها در بسیاری آثار نقش راهنما و پیام‌آور (مانند تابلوهایی «پیر دهر» و «کتاب»)، در برخی آثار نبرد با نفس (تابلوی «راه‌یی») و با حتی مانند اثر «بی‌گناه» اسیر و دست بسته‌اند. تناسب و شکل بال هم به فراخور محل قرارگیری و موضوع، با اندازه‌ها و شکل‌های گوناگون کشیده شده است.

ابراهیم(ع) در آتش و گلستان شدن آتش بر ابراهیم(ع)؛ تابلوی «شمس و مولانا». از یکی از اشعار مولانا الهام گرفته شده است؛ تابلوی «ستایش»: به گفته خود او این تابلو برداشتی از مفهوم آیه «سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ» است؛ تابلوهایی «آسمان چهارم» و «شام غریبان». یکشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۴ در مجموعه فرهنگی – تاریخی سعدآباد رونمایی شد و تابلوی «یتیم‌نوازی علی»: با نام اصلی «پناه» مهربانی و یتیم‌نوازی حضرت علی‌بن ابی‌طالب را سوژه اصلی کار قرار داد.

پس از سال‌ها غیبت موضوعات شیعی در نگارگری، استاد محمود فرشچیان به عنوان یکی از سرحلقه‌های تحول در نگارگری معاصر، تجربه‌ای نو را در مواجهه با موضوع و مضمون شیعی آزمود.

معروف‌ترین اثر فرشچیان تابلوی عصر عاشورااست. البته او آثار مذهبی پرآوازه دیگری هم دارد از جمله تابلوی «ضامن آهو». طرحی از شمایل امام رضا؛ تابلوی «پنجمین روز آفرینش». در این تابلو همه مخلوقات زمینی و آسمانی به ستایش پروردگار مشغولند؛ تابلوی «ابراهیم نبی»: تصویر حضرت

۴ نقاش خدا

همچنین طراحی‌های ضریح مطهر و منور حضرت اباعبدالله(ع) و ثامن‌الاکمه حضرت رضاع) به قلم ماندگار و باکفایت استاد فرشچیان انجام شده که این نقوش زرین، یادمانی است خجسته در تاریخ فرهنگ و هنر ایران و استاد فرشچیان این موارد را به صورت افتخاری انجام داده و به این توفیق، مفتخر است. ایشان به طور کل برای هیچ‌کدام از تابلوهای مذهبی‌شان که بسیار پرتعداد هم هستند و بخش اعظم کارنامه کاری‌شان را تشکیل می‌دهد، هیچ پولی دریافت نکرده‌اند.